



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در طبقات الارث بود، مسائلی را در مورد طبقه اول ارث یعنی أبوان و أولاد عرض کردیم که با بحثهای قبلی ما در مورد حساب مرتبط بودند بحثهایی مثل تسلط بر چهار عمل اصلی و یا تسلط بر کسر متعارفی و یا اینکه گاهی ترکه بر اساس فروض مذکور در قران کریم تقسیم می شود و کسر لازم نمی آید مثلاً زنی فوت کرده و فقط یک شوهر و یک خواهر دارد که خب در این صورت شوهر نصف و خواهر واحد هم نصف می برد و چیزی اضافه نمی آید ولی گاهی بعد از تقسیم بر اساس فروض مقدر در قران کریم انکسار لازم می آید به عبارت دیگر بین سهام و فروض توافق وجود ندارد که در این صورت باید سهامشان را با اصل فریضه بسنجیم و محاسبه کنیم و گفتیم که مخارج چهار نسبت متماتلین و متداخلین و متباینین و متوافقین با هم دارند.

در جلسه قبل مقداری از کلام صاحب جواهر و فروعاتی که ایشان در مورد طبقه اول ارث مطرح کرده بودند را شماره بندی کردیم و خواندیم که ۱۰ مورد اول روشن بود و نیازی به حساب نداشت اما مورد ۱۱ و ۱۲ نیاز به حساب داشت، کلام صاحب جواهر این است: « ۱۱: ولو كان مع الأبوين بنت خاصة، فلأبوين السدسان وللبنت النصف والباقي يرد عليهم أخماساً على حسب سهامهم. (در اینجا یک مخرج ۶ و یک مخرج ۲ داریم که در هم متداخل هستند لذا ۶ میزان است و ترکه به ۶ قسم تقسیم می شود، حالا نصف آن یعنی سه ششم به دختر داده می شود و به

هر کدام از پدر و مادر نیز یک ششم داده می شود و یک ششم اضافه می آید که این اضافه أخماساً یعنی بر طبق سهامشان تقسیم می شود به این صورت که ما یک ششم داریم و باید آن را به ۵ قسمت که نسبت سهامشان است (۳ سهم دختر و ۱ سهم پدر و ۱ سهم مادر که جمعاً می شود ۵ سهم) تقسیم کنیم، نسبت بین سهام یعنی ۵ و فریضه ی اولیه یعنی ۶ تباین است لذا در هم ضرب می شوند و نتیجه می شود ۳۰ و باقیمانده یعنی آن یک ششم به ۳۰ قسمت تقسیم می شود، حالا یک پنجم از ۳۰ تا یعنی ۶ سهم به پدر و همچنین یک پنجم از ۳۰ تا یعنی ۶ سهم به مادر و سه پنجم از ۳۰ تا یعنی ۱۸ سهم را به بنت واحد می دهیم).

۱۲: ولو كان إخوة للأب صالحون للحجب (چون برادران حاجب هستند در تقسیم اولی که بر اساس سهام مقدر در قران کریم است سهم مادر از ثلث به سدس تقلیل پیدا می کند و اما در تقسیم دوم یعنی در آن مقداری که اضافه آمده دیگر به مادر چیزی نمی دهیم لذا أرباعاً تقسیم می شود) كان الرد علی البنت والأب أرباعاً علی نسبة سهامهما، ولا رد علی الأم للحاجب الذي يحجب الأم عما زاد علی السدس من غیر فرق بین الرد وغیره بلا خلاف أجده فيه ، بل فی المسالك وكشف اللثام ومحكي الجمع الاتفاق علیه ، وهو الحجة فی تخصيص أدلة الرد.»^۱

مخرج نصف ۲ و مخرج سدس ۶ است که با هم تداخل دارند لذا ترکه به ۶ قسمت تقسیم می شود و نصف آن یعنی سه ششم به دختر داده می شود و یک ششم به پدر و یک ششم نیز به مادر داده می شود و یک

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۳، ط ۴۳ جلدی.

می باشد و پنج دوازدهم باقی می ماند که متعلق به دختر واحد می باشد در حالی که دختر واحد باید نصف یعنی شش دوازدهم ارث ببرد منتهی ما در اینجا طبق قواعد و روایاتی که داریم نقص را فقط بر دختر وارد می کنیم خلافاً للعامه که قائل به عول شده اند و نقص را بر همه وارد می کنند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

ششم باقی می ماند که در اینجا باقیمانده با توجه به سهامشان أرباعاً محاسبه می شود لذا سهم دختر یعنی ۳ و سهم پدر یعنی ۱ با هم جمع می شوند که می شود ۴ و بعد ۴ که نسبت سهام دختر و پدر است را با ۶ که فریضه اولیه است می سنجمیم که با هم متوافقین هستند لذا هر کدام از آنها را بر مقسوم علیه مشترک تقسیم می کنیم و بعد ضرب در دیگری می کنیم، در اینجا ۲ مقسوم علیه مشترک ۶ و ۴ می باشد، ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ ضرب در ۴ می شود ۱۲، یا ۴ تقسیم بر ۲ می شود ۲ ضرب در ۶ می شود ۱۲، بنابراین باقیمانده یعنی آن یک ششم را به ۱۲ قسمت تقسیم می کنیم و ۳ سهم یعنی سه دوازدهم به دختر و یک سهم یعنی سه دوازدهم به پدر می دهیم و همان طور که عرض کردیم به مادر چون حاجب دارد چیزی نمی رسد. صاحب جواهر در ادامه اینطور می فرماید: «۱۳: ولو دخل معهم (پدر و مادر و یک دختر) زوج کان له نصيبه الأدنی وهو الربع، وللأبوين كذلك وهما السدسان، والباقي للبت لعدم العول عندنا.»^۲

یک مخرج ۶ و یک مخرج ۴ و یک مخرج ۲ داریم و چون ۲ در ۴ متداخل است ۴ را أخذ می کنیم لذا دو مخرج ۶ و ۴ داریم که نسبتشان متوافقین است لذا یکی را بر مقسوم علیه مشترک یعنی ۲ تقسیم می کنیم و ضرب در دیگری می کنیم، ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ ضرب در ۴ می شود ۱۲، یا ۴ تقسیم بر ۲ می شود ۲ ضرب در ۶ می شود ۱۲ و ترکیه به ۱۲ قسمت تقسیم می شود و از این مقدار ربع یعنی سه دوازدهم متعلق به شوهر است و سدس یعنی دو دوازدهم متعلق به پدر و همچنین سدس یعنی دو دوازدهم متعلق به مادر

^۲ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۱۱۳، ط ۴۳ جلدی.